

زنان همگام - برابر

در نیمه دوم سال ۱۳۷۲ طرحی فائز بر حذف تمامی محدودیتهای شرکت زنان در رشته های دانشگاهی در شورای فرهنگی و اجتماعی زنان به تصویب رسید و جهت اجرا به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال شد. پیرو این طرح در دهم بهمن همان سال وزیر فرهنگ و آموزش عالی حذف کلیه محدودیتهای سازمان سنجش کشور ابلاغ نمود.^۱ بدین معنا از این تاریخ به بعد، دیگر نه از طریق ممنوعیت صریح و نه از طریق سهمیه بندی، تقریباً رشته ای نبود که «مردانه» تلقی شود و دستیابی زنان به آن محدود شده باشد. تصویب این قانون و به اجرا در آمدن آن از چهار جنبه دارای اهمیت می باشد. این جوانب که در تفسیر بعد به اختصار به آن اشاره خواهد شد، انگیزه های بود تا در نوشته حاضر چگونگی به تصویب رسیدن و عقلی شدن این مصوبه موضوع بررسی قرار گیرد.

۱- پیش از این نیز با تصویب قوانینی همچون واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها در سال ۱۳۶۴ و ایجاد تسهیلاتی که عملاً می توانست به دارا بودن حق طلاق از جانب زن منجر شود در سال ۱۳۷۱^۲ و قوانینی از این دست اقداماتی جهت رفع تضییق از حقوق زنان در جامعه صورت پذیرفته بود. اهمیت مصوبه ای که هر گونه محدودیتی را جهت شرکت زنان در کلیه رشته های دانشگاهی لغو می کرد در این بود که مبنای استدلالی که به تصویب آن انجامید بر برابری محض بین زن و مرد در این زمینه قرار داشت.

همین برابری پیش از این نیز در سال ۱۳۷۱ در مصوبه‌ای که بر تساوی حقوقی زن و مرد در برخورداری از پاداش آخر سال تأکید می‌کرد،^۳ قابل رویت است.

۲- تبعیض در سهمیه‌بندی بین زنان و مردان بعد از بازگشایی دانشگاه‌های یعنی از سال ۱۳۶۲ پس از انقلاب فرهنگی اعمال شد. و تازه از سال ۱۳۶۷ بود که این مسئله به طور جدی موضوع توجه برخی از دست‌اندرکاران امر قرار گرفت. در طول پنج سال صدها هزار زن دفترچه‌های کنکور سراسری را که این تبعیض در آن به عیان مشاهده می‌شد، تکمیل می‌کردند. روشن است که از این خیل عظیم، عده کثیری از مشاهده محدودیتی که برای آنان قائل شده بودند، رنج بردند. چگونه و چرا این تبعیض بی‌اساس در جامعه ما تا به این حد پابرجا ماند؟

۳- همانطور که در طول نوشته خواهیم دید، این محدودیت کمترین توجیه شرعی و عرفی نداشت. از این رو فهم چرایی و چگونگی این تبعیض روشنگر فرهنگی است که ورای عرف و شرع بر جامعه ما مسلط است و سرنوشت نیمی از مردم این کشور را تعیین می‌کند.

۴- برخورداری از تحصیلات عالی - به درست یا به غلط - از مهمترین اهرم‌های مشارکت در رده‌های تصمیم‌گیری در جامعه ما می‌باشد. حساسیت نسبت به شرکت برابر زنان در این زمینه و مراقبت از برخورداری از امکانات برابر برای این بخش از جامعه، سوره‌ای است از پیکار مستمر زنان برای دستیابی به جایگاه برابر اجتماعی. و اکنون شرح ماجرا...

آغاز کار شورای عالی انقلاب فرهنگی

بازگشایی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۲ با ترمیم و تکمیل ستاد انقلاب فرهنگی همراه بود.^۴ یک سال پس از این ترمیم، با ملحق شدن رؤسای محترم قوای سه‌گانه، آیت‌الله خامنه‌ای، حاج‌میرزا محمدباقر آملی، رفسنجانی، مهدوی‌کنی و آقایان سیدکاظم اکرمی وزیر وقت آموزش و پرورش و رضا داوری، نصرالله پورجوادی و محمدرضا هاشمی شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۹ آذرماه ۱۳۶۳ تشکیل شد.^۵ این شورا که با هدف «گسترش و نفوذ اسلامی در شئون جامعه و تقویت انقلاب فرهنگی و اعتلای فرهنگ عمومی و... تحول دانشگاه‌ها و مدارس و... تربیت متخصصان متعهد اسلام‌شناسان متخصص و مغزهای متفکر و وطن‌خواه...»^۶ تشکیل شد، «تدوین اصول سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی و تعیین اهداف... برنامه‌های فرهنگی و آموزشی...، تصویب آئین‌نامه‌های مهم و اساسی مراکز علمی و فرهنگی... و تهیه طرح و تدوین آئین‌نامه برای ایجاد زمینه‌های لازم جهت بسیج و مشارکت همه‌جانبه به منظور تحقق اهداف انقلاب فرهنگی...» از اهم وظایف این شورا بازشناخته

چگونه است که

در ارتباط با

موضوعی به

این حساسیت،

یعنی گزینش

دانشجو، امر

برابری که

ارزشی

جافتاده در

جامعه ما است به

این آسانی

زیرپا گذاشته

می‌شود؟

شد. ۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور تحقق سیاستها و خط مشی ها و اجرای مصوبات خود در امر برنامه ریزی و تدوین و تصویب آیین نامه ها و مقررات آموزشی، در جلسه فوق العاده مورخ ۶۳/۱۱/۲۸ تشکیل شورای عالی برنامه ریزی را تصویب نمود. ۸ اعضای شورای عالی برنامه ریزی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی می بایست از میان صاحب نظران و استادان با تجربه دانشگاهها انتخاب می شدند. پس از انتخاب این افراد، وزیر فرهنگ و آموزش عالی حکم عضویت در شورای عالی برنامه ریزی و اداره گروههای تابعه را برای هر یک صادر و ابلاغ می نمود. ۹ شورای عالی برنامه ریزی در این تاریخ دارای شش گروه بود که عبارت بودند از پزشکی، کشاورزی، فنی و مهندسی، علوم انسانی، هنر و علوم پایه. رؤسای گروههای مذکور با نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی و با حکم وزیر فرهنگ و آموزش عالی منصوب می شدند. تصمیم گیری در مورد برنامه ریزی رشته ها و تعیین سهمیه های مربوط به رشته ها به این گروهها واگذار شد. سرپرستان این گروهها بودند که پس از مشورت با متخصصین، سیاستگذاریهای لازم را در زمینه علمی و آموزشی کشور انجام می دادند. ۱۰

اعمال محدودیت برای پذیرش زنان در دانشگاه پیش از تأسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، یعنی به هنگام فعالیت ستاد انقلاب فرهنگی نیز وجود داشت. در واقع پیش از بازگشایی کامل و در دوره ای که دانشگاه فقط برای پذیرش دانشجویان سابق باز شد نیز خصوصاً در رشته کشاورزی شاهد محدودیت هایی جدی هستیم؛ از پنج رشته کشاورزی فقط یک رشته به زوری زنان باز بود. همین روند در سالهای بعد ادامه پیدا کرد. اما متأسفانه با تشکیل شورای عالی برنامه ریزی، به عوض آنکه این روند متوقف گردد ابعاد وسیع تری یافت. به این اعتبار می توان گروه های تخصصی شورای عالی برنامه ریزی را ادامه دهنده و تشدید کننده محدودیت ها و تبعیض هایی دانست که گروه های ستاد عالی انقلاب فرهنگی بنای آن را نهاده بودند.

پرونده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آغاز نارضایی

از همان روزی که معلوم شد در دانشگاه بازگشایی شدند، محدودیت هایی برای انتخاب رشته برای زنان قائل شده اند، اعتراضات آغاز شد. زنان عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در نامه ای به کمیته برنامه ریزی کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی نگرانی خود را از روند حنفی آموزش عالی زنان ابراز داشتند و تصمیمات اتخاذ شده را مقایر با اصول قانون اساسی مبنی بر فراهم آوردن امکانات آموزشی برای عموم مردم و نیز رعایت حقوق زنان، به شمار آوردند. ۱۱ در این نامه نه فقط متقاضی لغو ممنوعیت ها شدند، بلکه پیشنهاد کردند که دبیرستان کشاورزی برای دختران در روستاها تأسیس گردد و نیز زنان در دوره های «تربیت مدرس کشاورزی» نیز پذیرفته شوند. برخلاف انتظار، اوکین پاسخ به این نامه اعتراضی از جانب کمیته برنامه ریزی کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی

داده نشد؛ بلکه این شورای مدیریت جهاد دانشگاهی کشاورزی دانشگاه مشهد بود که «جوایبه» سختی به نامه داد.^{۱۲} در این جوایبه ادعا شده بود که تفاوت گذاری در زمینه آموزش عالی بین زن و مرد «اسلامی» است و «اسلام» برخالف نظریات «غربزده» و «مُلهِم از تفکرات «اومانیستی غربی»، تفاوت های زن و مرد را که از جمله عبارت هستند از «ضعف جسمانی زن» در برابر «کارایی بیشتر مردان» و «عاطفی بودن زنان» در برابر مردان، فراموش نمی کند. «مصالح جامعه اسلامی از نظر ارزش های اخلاقی» نیز از نظر آقایان این چنین تبعیضی را ایجاب می کرد. پاسخ کمیته برنامه ریزی کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی^{۱۳} همزمان با شرحی^{۱۴} که زنان عضو هیئت علمی بر جوایبه جهاد دانشگاهی دانشگاه کشاورزی مشهد نوشتند، تحریر شد. پاسخ کمیته برنامه ریزی فقط بر این استدلال استوار بود که صرف هزینه برای کسانی که پس از اتمام تحصیل عمدتاً خانه نشین خواهند شد، بجا نیست. در مقابل این پاسخ کوتاه نکاتی اساسی که در شرح بر جوایبه از جانب زنان عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی آمده است به خوبی بستنی استدلال های تبعیض گذاران را روشن می سازد. زنان عضو هیئت علمی در شرح بر جوایبه یادآوری می شوند که «میلیون ها زن روستایی در تمام بخش های کشاورزی سراسر مملکت فعال هستند» و نیز یادآور می شوند که «مشارکت فعال زنان در رشته هایی مانند مامایی و پرستاری که کار شبانه روزی و سنگین می طلبد» اولاً در تناقض با به اصطلاح «ضعف جسمانی زنان» تشخیص داده نشده است و ثانیاً کسی این فعالیت را مانع از اینکه زنان بتوانند «وظیفه خطیر مادری» خود را ایفاء کنند، ندانسته است.

بحث ها ادامه نیافت و اعتراضات تا سال ۶۶ تقریباً به خاموشی گرائید. در سال ۶۶ که کار ممنوعیت رشته ها بالا گرفت و علاوه بر آن سهمیه های سنگینی برای زنان در رشته های مختلف تعیین

شوریه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



شد، بار دیگر اعتراضات اوج گرفت. دلیل این آغاز مجدد را می‌توان سرایت سهمیه‌بندی به رشته‌ای دانست که برای زنان شرکت‌کننده در آزمون سراسری از حساسیت بیشتری برخوردار بود، یعنی رشته هنر. این بار اما اعتراضات جنبه‌ای وسیع‌تر داشت و از جانب شرکت‌کنندگان در این آزمون آتیه‌ساز صورت پذیرفت. برخی از زنان شرکت‌کننده در آزمون سراسری به این محدودیت‌ها اعتراض کردند و دلایل این تبعیض را جویا شدند: «دانشگاه تهران به چه دلیل دانشجوی دختر نمی‌پذیرد و چرا مجتمع دانشگاهی هنر امسال به آقایان اختصاص یافته است... آیا این صحیح است که در راه دختری که مدت‌ها وقت صرف کرده و خود را برای دانشگاه آماده کرده سنگ اندازی کنند؟»^{۱۵}.

«... امسال به امید اینکه در رشته صدا و سیما قبول شوم در رشته هنر شرکت کردم ولی متأسفانه تعداد دانشجوی مورد نیاز در این رشته خیلی کم است و من هیچ امیدی ندارم»^{۱۶}. ایرادات و سؤالات گاه از حد پرسش فراتر می‌رفت و نشان استیصال و احساس تظلمی غیر قابل توصیف را القای کرد: «مسئولین راحت بگویند که نمی‌خواهند زن در اجتماع باشد. چرا اینقدر سنگ جلوی پای ما می‌اندازند؟ رک و پوست‌کنده بگویند که خانمها بشینند در خانه... بیست نفر دختر برای رشته سینما یعنی چی؟ مجتمع دانشگاه هنر فقط دانشجوی پسر می‌خواهد یعنی چی؟ دانشگاه تهران فقط در سه رشته دختر می‌پذیرد، یعنی چی؟... یعنی در دانشگاه به روی دختران بسته است»^{۱۷}. اهمیتی که تحصیل دانشگاهی در رشته مورد علاقه برای یک فرد دارد را می‌توان از گفته‌های یکی دیگر از معترضین به محدودیت‌گزیشت دریافت: «من خودم با نقاشی تا حدودی آشنایی دارم و به این امید که در کنکور قبول شوم شرکت کردم و تصمیم دارم استعدادم را در جامعه بکار گیرم ولی وقتی این جامعه مرا نپذیرد و راههای استفاده از استعداد مرا محدود کند، ماندن را جایز نمی‌دانم و به کشوری می‌روم که ارزش کارم را بداند»^{۱۸}.

برابری و تعاون از دیرباز خواست بسیاری از ایرانیان و ارزش جاافتاده در جامعه ما بوده و هست حتی اگر همواره شکلی نادرین نیافته است. پس از انقلاب امر برقراری برابری بیش از پیش مورد توجه جامعه قرار گرفت. پس چگونه است که در ارتباط با موضوعی به این حساسی یعنی گزینش دانشجوی این ارزش به آسانی زیر پا گذاشته می‌شود؟ آنگاه از شواهد امر برمی‌آید در دانشکده هنرهای زیبا، در رشته هنر حذف یا محدود کردن تعداد دانشجویان دختر با هدف «اسلامی کردن» فضای دانشگاه صورت پذیرفته است. «اسلامی کردن» که خواهیم دید نه برخاسته از بینش همگانی بوده و نه توجیه شرعی در این خصوص داشته است. جالب آنکه از همان اولین روزها فکر اعمال محدودیت همچون راهی برای «اسلامی کردن» فضای دانشگاه آن‌چنان نامعقول ارزیابی شد که حتی اعتراض انجمن اسلامی دانشکده هنرهای زیبا را نیز برانگیخت:

**علیرغم نظر
سریح وزیر
کشاورزی
مبنی بر نیاز
آن وزارتخانه
به زنان
تحصیل‌کرده،
رئیس گروه
کشاورزی
به خواسته‌های
شورای
فرهنگی
اجتماعی زنان
تن نداد.**

اما می‌گوییم اگر مسئولین دلسوز و آگاه ما قصد آن دارند که دانشکده‌ها را به محیط سالم و اسلامی مبدل سازند، ما نیز همگام با آنها پیش می‌رویم، اما از آنجائیکه اساس دانشکده‌های هنر با گذشت هشت سال از انقلاب هنوز هم به موازین اسلامی برنگشته است، آیا درست است که فقط به حرکت‌های ظاهری دل خوش داریم ۱۹.۴۴ همین نوع اعتراض را دانشجوی دیگر که در سال ۶۶ در کنکور شرکت کرده بود به این صورت بازگو می‌کند: «... اگر این اقدام آنان به مسئله بدحجابی برمی‌گردد باید بگوییم که این راه حل درستی نیست و مسلماً این نوع مبارزه با بدحجابی نمی‌تواند نتیجه‌ای به بار آورد... با افزایش مراکز آموزشی می‌توان بدحجابی را از میان برد، نه اینکه مراکز آموزشی را محدود یا مختص آقایان کنند.»^{۲۰}

نگاهی به نتایج کنکور دوره سال ۱۳۶۳، شدت اعتراض و عمق احساس محرومیت را روشن می‌سازد، مطابق نمونه گیری که از طرف مجله زن روز در مرداد ماه ۱۳۶۳ انجام شد، شرکت‌کنندگان زن در کنکور سراسری در رشته‌های هنر، فرهنگ و ادب، علوم اجتماعی و اقتصاد و علوم تجربی به ترتیب ۴۱، ۴۲، ۴۸ و ۴۹ درصد قبول شدگان را تشکیل می‌دادند.^{۲۱} واکنشها در همین حدود مطبوعاتی باقی نماند و دانشجویان زن سعی کردند با مراجعه به زنانی که در مصادر امور بودند درخواست رفع تزیینات را بنمایند.^{۲۲}

از اواسط سال ۶۲ یعنی از زمان اوج گرفتن و عسویت یافتن محدودیت‌ها تا اوایل سال ۶۶ یعنی زمان تشکیل شورای سیاست‌گذاری و هماهنگی در مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان در شورای عالی انقلاب فرهنگی، زنان ایرانی آنکه امید به تغییر نظام گزینش دانشجو داشته باشند در

نام مجموعه تحصیلی

نام تحصیلی

ردیف	مواد امتحانی		تفاضل		مجموعی		مجموعی
	زبان فارسی	ریاضی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	
۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۵	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۶	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۷	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۸	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۹	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۴	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۵	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۶	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۷	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۸	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۹	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲۴	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲۵	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲۶	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲۷	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲۸	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲۹	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳۴	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳۵	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳۶	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳۷	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳۸	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳۹	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴۴	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴۵	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴۶	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴۷	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴۸	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴۹	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۵۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲

نکته - نقشه کنی صنعتی

۱ - صنایع آتوموبیل

۲ - صنایع حرارتی، نیروگاهها

۳ - صنایع برنایی و گازرسانی

۴ - صنایع نپویه و سرد

۵ - صنایع نساجی

۶ - صنایع غذایی

۷ - صنایع کفشدوزکی

۸ - صنایع پتروشیمی

۹ - صنایع فولاد

۱۰ - صنایع فلزی

۱۱ - صنایع چوب

۱۲ - صنایع نساجی

۱۳ - صنایع غذایی

۱۴ - صنایع کفشدوزکی

۱۵ - صنایع پتروشیمی

۱۶ - صنایع فولاد

۱۷ - صنایع فلزی

۱۸ - صنایع چوب

۱۹ - صنایع نساجی

۲۰ - صنایع غذایی

۲۱ - صنایع کفشدوزکی

۲۲ - صنایع پتروشیمی

۲۳ - صنایع فولاد

۲۴ - صنایع فلزی

۲۵ - صنایع چوب

۲۶ - صنایع نساجی

۲۷ - صنایع غذایی

۲۸ - صنایع کفشدوزکی

۲۹ - صنایع پتروشیمی

۳۰ - صنایع فولاد

۳۱ - صنایع فلزی

۳۲ - صنایع چوب

۳۳ - صنایع نساجی

۳۴ - صنایع غذایی

۳۵ - صنایع کفشدوزکی

۳۶ - صنایع پتروشیمی

۳۷ - صنایع فولاد

۳۸ - صنایع فلزی

۳۹ - صنایع چوب

۴۰ - صنایع نساجی

۴۱ - صنایع غذایی

۴۲ - صنایع کفشدوزکی

۴۳ - صنایع پتروشیمی

۴۴ - صنایع فولاد

۴۵ - صنایع فلزی

۴۶ - صنایع چوب

۴۷ - صنایع نساجی

۴۸ - صنایع غذایی

۴۹ - صنایع کفشدوزکی

۵۰ - صنایع پتروشیمی

کنکور سراسری شرکت کردند و علیرغم محدودیت‌ها حدود سی درصد از قبولشدگان را تشکیل دادند.

تاسیس و فعالیت شورای عالی فرهنگی اجتماعی زنان و رفع محدودیت‌ها

هر چند مسئولیت نهایی اجرای سیاست‌های آموزشی در زمینه آموزش عالی بر عهده وزارت فرهنگ و آموزش عالی بود اما برای کسانی که در صدد تجدید نظر و یا حذف کامل این محدودیت‌ها برآمدند واضح بود که کلید اصلی ماجرا در اختیار شورای عالی برنامه‌ریزی و نهایتاً شورای عالی انقلاب فرهنگی است. چه دلیلی برای این امر واضح‌تر از اینکه آقای قهرادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت موافقت خود را برای برطرف نمودن این تبعیض‌ها اعلام کرده بود.^{۲۳} و چه بسا که خود او نیز از اینکه زنان شرکت‌کننده در کنکور اقدام غیر عادلانه وضع محدودیت‌ها را از چشم وزارت فرهنگ و آموزش عالی می‌دیدند،^{۲۴} رنج می‌برد. اما روشن بود که تا زمانی که سیاست‌گذاری در زمینه آموزش عالی به عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است چاره‌ای جز تغییر نظر این شورا و به دست آوردن مصوبه‌ای مبنی بر حذف محدودیت‌ها که ناشی از آن باشد، نیست. با تشکیل شورای سیاست‌گذاری و هماهنگی در مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۱۹ زنان کشور دارای اهرم مناسبی برای فشار بر روی شورای عالی برنامه‌ریزی و کمیته‌های تخصصی آن گشتند.^{۲۵} انتخاب چهارده نفر نماینده شورای فرهنگی و اجتماعی زنان قریب دو سال به طول انجامید. سه ماه پس از تصویب تشکیل شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، آیین‌نامه آن نیز به تصویب رسید. از این رو به محض آنکه ده نفر از اعضای آن تعیین شدند، یعنی حد نصاب به دست آمد، این شورا کار خود را رسماً آغاز نمود.

اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان متقاضی مذاکره با گروه‌های تخصصی شورای عالی برنامه‌ریزی شدند. زیرا یقین حاصل کردند که تبلور پرستان این گروه‌ها بانیان اصلی این محدودیت‌ها بودند. تازه در این مرحله بود که با دلایل، کسانی که این محدودیت‌ها را برقرار کرده بودند، آشنا شدند. بخشی از این دلایل عبارت بودند از: ۱- بازده کاری و عمر کاری زنان به دلیل اشتغال مادری و خانوادگی کم است. ۲- بسیاری خانم‌های پزشک، مهندس، داروساز، در خانه نشسته‌اند (بنابر میل خود یا اجبار شوهر)، و در بسیاری موارد به شغل‌های دیگری رو کرده‌اند. ۳- خانم‌ها مأموریت خارج از مرکز و نقاط محروم را قبول نمی‌کنند. ۴- وقتی سرمایه محدود است و نیاز به توسعه ملی شدید، چرا سرمایه‌گذاری روی کسی انجام شود که کمترین بازدهی را دارد... سدر برخی رشته‌های مهندسی یا زمین‌شناسی که قبولی آقایان زیاد و خانم‌ها یک یا دو نفر است، آقایان از وجود خانم‌ها به دلایل

در آزمون
سراسری سال
۱۳۷۳ دیگر
جنسیت
معیاری برای
پذیرفته شدن
در دانشگاه
نبود.

شرعی، معذورند و ناراحت می‌شوند... ۶- در برخی رشته‌ها مثل مهندسی و زمین‌شناسی ایجاد محیط اجرایی و آموزشی منزه، مشکل است. ۷- بعضی رشته‌ها سخت و برای خانم‌ها به لحاظ کاری دشوار است. ۸- در بعضی رشته‌ها برای خانم‌ها، پس از تحصیل امکان اشتغال نیست. ۹- اگر خانم‌ها را رها کنیم تمام دانشگاه‌ها را پر می‌کنند و جایی برای آقایان نمی‌ماند. ۱۰- پس وظیفه مادری آنها چه می‌شود؟ این برنامه‌ها و این گونه تحصیلات که تبعات اجتماعی و اشتغال نیز دارد به کیان خانواده لطمه وارد می‌کند. ۲۶

برای دست‌اندرکاران شورای فرهنگی و اجتماعی زنان روشن بود که حتی اگر برخی از این دلایل با حسن نیت طرح می‌شد، بخش عمده آن فقط جنبه توجیهی برای عملی انجام شده داشت. زیرا بسیاری از این تصمیمات نه بحثی کافی را پشتوانه داشت و نه در مقابل استدلال‌های مقابل‌تاب مقاومت. به عنوان مثال روشن شد که محدودیت وضع شده برای دانشجویان هنر فقط پیرو نامه‌ای بود که رئیس این دانشکده درباره مشکلاتی که در «جمع و جور» کردن دانشجویان دختر داشت خطاب به



جمهوری اسلامی ایران
شورای عالی انقلاب فرهنگی
باسمه تعالی

رفع محدودیت پذیرش داوطلبان دختر در بعضی از رشته‌های دانشگاهی
(مصوب پسند و شنیدار و تعیین چارچوب ۱۳۸۱/۲۸/۶۸۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

دراستای رفع محدودیت پذیرش داوطلبان دختر در بعضی از رشته‌های دانشگاهی، طی الاصول داوطلبان دختر باید بتوانند در هر رشته‌ای که می‌خواهند تحصیل کنند مگر اینکه تحصیل آنان در رشته‌هایی با منع شرعی یا اجتماعی و عملی موجه باشد. بدین جهت مقرر می‌گردد که وزارت فرهنگ و آموزش عالی بر اساس این اصل عمل کند و محدودیتی را که برای دختران در بعضی از رشته‌ها قائل شده است بردارد. مگر رشته‌هایی که شرکت دختران در آنها عملاً و شرعاً روا نیست. برای تعیین شورای عالی برنامه‌ریزی عضویت دارند به علاوه مسئولان گروه‌های برنامه‌ریزی (گروه‌هایی که متقاضیان جاری مطالب آن عمل شود).

کمیته تخصصی هنر نوشته بود. ۲۷ هنگامی که بحث به رشته کشاورزی رسید، اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان دیگر یقین حاصل کردند که وضع محدودیت‌ها مبنایی جدی نداشت و حتی بدون مشورت با وزیر مربوطه اعمال شده بود؛ «رشته کشاورزی ضمن اینکه حاضر نبود شورای فرهنگی اجتماعی زنان را بپذیرد و پیوسته تکرار می‌کرد که سرمایه‌گذاری برای تحصیل خانم‌ها امر بیهوده و اتلاف وقت و انرژی و سرمایه است نهایتاً پیشنهاد کرد که از وزیر کشاورزی استفسار شود آیا به کار زن احتیاج دارند یا نه؟» ۲۸ علیرغم پاسخ سریع و صریح وزیر کشاورزی مبنی بر اینکه «هر چه تحصیل زنان در رشته کشاورزی توسعه یابد، آن وزارتخانه احتیاج بیشتری به نیرو و خدمات آنان دارد» ۲۹ رئیس گروه کشاورزی با «شتاب زده خواندن این پاسخ» به خواسته‌های شورای فرهنگی و اجتماعی زنان تن نداد.

روبرو شدن با این نوع مقاومت‌ها (هر چند که از طرف همه مسئولین یکسان نبود و به یک شکل بروز نمی‌کرد) اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان را به این باور رساند که باید از اهرم‌های دیگر برای پیشبرد اهدافشان بهره‌گیرند. مراجعه به رئیس وقت شورای عالی انقلاب فرهنگی، آیت‌الله خامنه‌ای راهی بود که انتخاب شد و نتیجه آن بسی بیش از انتظار اعضای شورا بود؛ «موضوع را با ایشان در میان گذاشتیم و ایشان خیلی متأثر شدند. پرسیدند اینها اصلاً از کجا آمده است... فکر می‌کنم یک روز یکشنبه بود که با ایشان ملاقات داشتیم؛ جلسه شورای انقلاب فرهنگی سه‌شنبه‌ها تشکیل می‌شد، ایشان فوراً جلوی خرد ما با تلفن دست‌نخورده جلسه را تغییر دادند و موضوع بحث ما را در آن جای دادند و گفتند که خبر دهند هر که می‌خواهد و حرفی دارد بیاید آنجا صحبت کند...» ۳۰

در روز جلسه «آقا خیلی تند برخورد کردند و گفتند چرا شما تا به حال به من نگفته بودید؟... بعد که ایشان گفتند این کارهای شما بی‌خود است دکتر مرندي گفت که من موافقم برای رفع تبعیض همین الان...» ۳۱ حتی غیبت تعدادی از اعضا مانع نشد که تصمیمات این جلسه، یعنی حذف اجتناب‌ناپذیر تبعیضی از محدودیت‌ها به صورت مصوبه در نیاید. اصل بر برابری گذاشته شد، و تصمیم بر این گرفته شد «علی‌الاصول داوطلبان دختر باید بتوانند در هر رشته‌ای که می‌خواهند تحصیل

کنند... بدین جهت مقرر شد که وزارت فرهنگ و آموزش عالی براساس این اصل عمل کند و محدودیتی را که برای دختران در بعضی از رشته‌ها قائل شده است بردارد. ۳۲ در عین حال برای آن که خواست کسانی که مدعی بودند برخی از رشته‌ها شرعاً یا از نقطه نظر ارزشی دین‌شان زنان است نیز محترم شمرده شود رفع کامل محدودیت‌ها منوط به این شد که «تحصیل... زنان در رشته‌هایی [که از آنها رفع محدودیت می‌شود] با منع شرعی یا اجتماعی و عملی مواجه نباشد» ۳۳ اما روشن بود که اصل

در روند پیکار معلوم شد که شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند در توان خود مبنی بر داشتن نظری کارشناسی بنابر معیارهای عقلی و شرعی اشتباه کند.

بر برابری است و بر کسانی که مدعی شرعی نبودن برابری در این زمینه هستند بایسته است که ادعای خویش را اثبات کنند. از این رو مقرر شد کمیسیونی تشکیل شود متشکل از هفت نفر از اعضای شورای انقلاب فرهنگی که در شورای عالی برنامه ریزی عضویت دارند به علاوه مسئولان گروه‌های برنامه ریزی (گروه‌هایی که معتقدند که در برخی رشته‌ها برای دختران باید محدودیت قائل شد ...) و نماینده‌ای از شورای فرهنگی و اجتماعی زنان ...^{۳۴} تا رشته‌هایی که شرکت دختران و زنان در آنها عملاً و شرعاً روا نیست، تعیین گردد.

علیرغم این تصمیمات صریح مسئولین همه کمیته‌های تخصصی در برابر این تصمیم تمکین نکردند و مقاومتها از درصدهای جدول شماره ۱ مشهود است. مسلم است که وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت سریعاً حذف موانع راه به سازمان سنجش اعلام کرد و در کنکور همان سال بسیاری از محدودیت‌ها برداشته شد. از این تاریخ تا زمان حذف کامل اکثر قریب به اتفاق محدودیت‌ها و برقراری برابری در این زمینه، یعنی دهم بهمن ۱۳۷۲، پنج سال و اندکی فاصله افتاد. با پایان گرفتن جنگ و آغاز دوران بازسازی روابط بین‌المللی ایران اهمیت بیشتری یافت. لزوم تطابق با استانداردهای کشورهای پیشرفته در همه زمینه‌ها بیش از پیش مورد توجه مسئولین قرار گرفت و چه بسا که یادآوری‌های نمایندگان سازمانهای بین‌المللی در رفع اکثر قریب به اتفاق محدودیت‌های شرکت زنان در دانشگاه‌ها و برداشتن سهمیه‌ها مؤثر واقع شده باشد. مصوبه‌ای که برابری کامل را منظور داشت توسط شورای فرهنگی و اجتماعی زنان به صورت طرحی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه و توسط وزیر فرهنگ و آموزش عالی رأساً به سازمان سنجش ابلاغ شد. در آزمون سراسری سال ۱۳۷۳ دیگر جنسیت معیاری برای پذیرفته شدن در دانشگاه نبود.

سنجش روند و نتایج پیکار برابری

ده سال زمان، اعتراض‌هایی وسیع، دخالت مسئولین اجرایی کشور در بالاترین سطوح و صدها ساعت بحث و تبادل نظر و فشارهای بین‌المللی لازم شد تا نکته تبعیضی از چهره جامعه ما پاک شود. تبعیضی که معلوم شد نه عملاً روا بوده است و نه شرعاً. شاید درگیری‌های ناشی از جنگ مانعی بود برای توجه به مسائلی از این دست. اما علیرغم این مسئله دیرپایی این تبعیض لزوم ارزیابی آن را در چارچوب جامعه‌شناسی فرهنگی و تحلیل نهادین ایجاب می‌کند.

دیدیم که کلید حل این ماجرا در اختیار شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. پس کارکرد این شورا را باید از منظر پیکار برابری که شرحش در صفحات پیشین آمد موضوع سنجش قرار داد. شورای عالی انقلاب فرهنگی با هدف همسو ساختن فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی کشور با ارزش‌های انقلاب به موازات وزارتخانه‌هایی که مسئولیت اجرایی کشور در همین زمینه‌ها را به عهده داشتند تأسیس شد. در آیین‌نامه کلیات تشکیل شورای عالی برنامه ریزی و گروه‌های تابعه وزیر فرهنگ و آموزش عالی مسئول

ابلاغ حکم اعضای این شورا تعیین شده است، اما اعضای آن توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی انتخاب می‌شوند. علاوه بر این نظارت بر فعالیت‌های گروه‌های برنامه‌ریزی به عهده خود شورای عالی انقلاب فرهنگی است. در عمل دیده شد که حتی این امر که رئیس دولت در عین حال رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز هست، لزوماً به معنی همکاری و هماهنگی نهاد دولت با این شورا نیست. همین امر در مورد ریاست شورای عالی برنامه‌ریزی که به عهده وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت است نیز صادق می‌باشد. الزام دولت در پاسخگویی به مجلس و قانون اساسی، پیروی از

دستورات هر نهاد دیگری را برای او مشکل می‌سازد. در مقابل، شورای عالی انقلاب فرهنگی نه در مقابل دولت و نه در مقابل مجلس وظیفه پاسخگویی ندارد. ریشه‌های این کمبود را می‌توان مقدمتاً در آیین‌نامه‌های داخلی شورای عالی انقلاب فرهنگی جستجو کرد. دیدیم که این کمبود مانع از آن شد که زنان بتوانند اولاً به مسئولین اصلی برقراری محدودیت‌ها دسترسی داشته باشد و ثانیاً نظریات و استدلالات صحیح خود را در برابر باورها و دلایل ناستوار آنان قراوه دهند. همین عدم الزام به پاسخگویی در مقابل مجلس یعنی در مقابل نمایندگان مردم به این جا انجامید که بنابر تقاضای یکی دو رئیس دانشکده تبعیضی در جامعه ما برقرار شد که فقط ناشی از شناخت تعداد خیلی از افراد بود. اقلیتی که خود را ملزم به توضیح و یا حتی توجیه نمی‌دید. این افراد حتی خود را موظف ندیدند که جامعه را از طریق یک اطلاعیه در مطبوعات از تصمیم خود با خبر سازند؛ چه رسد به اینکه پیش از تصمیم‌گیری موضوع را از طریق همین مطبوعات یا سمینارها به داوری عمومی بگذارند. اطلاع‌رسانی پیرامون این موضوع آنقدر ضعیف بود که حتی متخصصین علوم تربیتی نیز از آن آگاه نشدند و چه جای تعجب است اگر دو چنین شرایطی در ارزیابی از وضعیت تحصیلی زنان در کشور عامل «فرهنگ» و «تربیت خانوادگی» بدون در نظر گرفتن ساختار سیاسی کشور و به عنوان یگانه عامل تلقی گردد.^{۳۵} حال آنکه دیدیم اگر شرایط پذیرش برابر برای شرکت زنان و مردان در آزمون سراسری فراهم آید، تطایح با کمی اختلاف آنهم نه همیشه به نفع مردان (تصویری از همین برابری خواهد بود. یقیناً در زمینه‌های فرهنگ و تربیت

خانوادگی بسیار باید کوشید، به این موضوع در خطوط زیر اشاره خواهد شد، اما اگر اطلاع‌رسانی در جامعه ما به درستی صورت پذیرد مطمئناً حوزه و حیطه فعالیت فرهنگی و تربیتی بهتر و مناسب‌تر تعیین خواهد شد. ضعف دیگری که باید از آن برای تغییر کارکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی تجربه آموخت، رأی نادرست اعضای این شورا مبنی بر پذیرش بی چون چرای نابرابری‌ها بود. در روند پیکار معلوم شد که این شورا می‌تواند در توان خود برای داشتن نظری کارشناسی بنابر معیارهای عقلی و

**ریشه
تصمیمات زن
ستیزانه را
باید در فرهنگ
ناگفته و
نانوشته جامعه
جستجو کرد و با
اهرم‌های
مناسب
اجتماعی در
جهت فاش
سازی و عقب
راندن آن
تلاشی کرد.**

جدول تغییرات درصد پذیرش زنان در آزمون ورودی دانشگاهها در سال تحصیلی ۶۸-۶۹

درصد فعلی	درصد قبلی	رشته تحصیلی
زن و مرد شانس مساوی دارند*	تا ۴۰	دکتری پزشکی
۰	تا ۵۰	دندانپزشکی
۰	۲۰	داروسازی
۰	۵۰	فیزیوتراپی
۰	۵۰	کاردرمانی
۰	۵۰	پشایی سنجی
۰	۵۰	شنوایی سنجی
۰	۲۰	تغذیه
۰	۲۰	علوم و قرآیند مواد غذایی
۰	۲۰	اعضای مصنوعی
۰	۵۰	تکنولوژی رادیولوژی
۰	۵۰	رادیو تراپی
۳۰	۲۰	بهداشت محیط
زن و مرد شانس مساوی دارند	۲۰	علوم آزمایشگاهی
۰	صفر	زمین شناسی
۰	۵۰	قیبط آمار و مدارک پزشکی
زن و مرد شانس مساوی دارند	تا ۵۰	هوشبری
۰	۵۰	تکنسین اطاق عمل
۰	۴۵	مهندسی پلیمر (صنایع پلیمر)
۰	۲۰	مهندسی دریا و کشتی سازی
۰	۲۰	مهندسی شیمی (صنایع غذایی)
۰	۲۰	مهندسی شیمی (طراحی فرایندهای صنایع نفت)
۵۰	۱۰	مهندسی مواد (تولید فلزات غیر آهنی)
۵۰	صفر	مهندس مواد (سرامیک)
۲۰	صفر	مهندسی کشاورزی (اقتصاد کشاورزی)
۱۰	صفر	دامپروری
۱۰	صفر	باغبانی
۱۰	صفر	گیاه پزشکی
۱۰	صفر	چوب شناسی و صنایع چوب
۱۰	صفر	شیلات و محیط زیست
۱۰ زن و مرد شانس مساوی دارند	۲۰	دبیری تربیت بدنی

* منظور اینست که در پذیرش این رشته ها شرط جنسیت هیچ نقشی نداشته و افراد بر اساس توانایی علمی پذیرفته خواهند شد.

شرعی اشتباه کند و پیش از آنکه موضوع را به ارزیابی کارشناسانه واگذار کند بر کفایت تجسس خود رأی دهد.

دومین درسی که باید از روند این پیکار گرفت این واقعیت است که فرهنگ زن‌ستیزی در جامعه ما عمیق‌تر از آنست که بتوان به سادگی آنرا منوط به باورهای دینی و یا عقلی دانست. اعضای کمیته‌های تخصصی شورای عالی برنامه‌ریزی را تماماً افرادی تشکیل می‌دادند که از سطح بالای تحصیل و نیز تجارب بین‌المللی برخوردار بودند. علاوه بر این در تعلقات دینی آنان نیز جای شکی نبود. اما دیدیم که آنان در هر دوی این زمینه‌ها به توجیه محدودیت‌ها و تبعیضاتی رسیدند که پایه و اساسی نداشت.

جامعه ما به
تشکیلاتی نیاز
دارد
که از طریق
پیوند خواسته
های واقعی و
نیازهای
روزمره گروه
های اجتماعی با
برنامه‌های
مشخص
اجتماعی و
سیاسی خود در
جهت اعتلای
فرهنگی و
بهبودی
عمومی
تلاش کنند.

همین فرهنگ مردسالار را می‌توان حتی در بین کسانی که از دیدگاه‌های دیگری درباره سهمیه‌بندی نظر دادند رؤیت کرد. در مقاله‌ای با عنوان «نقش و موقعیت زنان در آینده» می‌خوانیم: «البته محدودیت‌های مربوط به زنان در بعضی از رشته‌ها کاملاً قابل فهم و عین عدالت اجتماعی است. به همان اندازه که جلوگیری از ورود زنان به رشته‌های هنری از جمله سینما از طرز تفکر انقلابی به دور است، به همان اندازه نیز وادار کردن آنان به کارهای سنگین و در نتیجه اجازه دادن به آنها برای وارد شدن در رشته‌هایی چون راهسازی با عدالت اجتماعی بیگانه است.»^{۲۶} هر اینجا به برداشت نویسنده از «عدالت اجتماعی» کاری نداریم، بحث ما بر سر سستی نظریات و ادلة اوست. نویسنده به احتمال زیاد برای انتقاد از تبعیضی که شامل زنان می‌شود دست به قلم برده است، اما خود به این تبعیض دامن می‌زند. کارهای شاق در همه فعالیت‌های انسانی وجود دارد و بالعکس در همه فعالیت‌ها نیز بخش‌هایی را می‌توان یافت که به قدرت بدنی کمتری نیاز دارد. علاوه بر این اگر قوای جسمانی تنها ملاک انتخاب رشته باشد قیودت جسمانی مردان نیز با یکدیگر متفاوت است و آیا هیچ شنیده‌ایم که کسی را بخاطر ضعف بینایی یا شنوایی یا ضعف جسمی از تحصیل محروم کنند؟ امروز یکی از بزرگترین کمزوری‌های زنان جهان نیروی صندلی چرخدار حرکت می‌کند و به زحمت سخن می‌گوید. آیا صحیح بود اگر درس خواندن او را مورد شک قرار می‌دادیم؟ به فرض که بطور متوسط زنان هنوز از قوای بدنی کمتری از مردان برخوردار باشند، چرا باید همیشه به دنبال ارزشدآوری منفی و نتیجه‌گیری جانب‌دارانه و تبعیض‌آلود از تفاوت‌ها برآمد به عوض آنکه اصل را بر برابری حقوقی

علیرغم تفاوتها گذاشت. از این رو ریشه این تصمیم‌گیری‌ها را باید در فرهنگ ناگفته و نانوشته جامعه جستجو کرد و در جهت فاش‌سازی این فرهنگ و عقب‌راندن آن تلاش کرد؛ «مشکل، مشکل تربیتی است. هر کدام از آقایانی که توی خیابان دست‌روش بگذارید، همیشه. حتی بعضی از خانمها هم

آخرین نتیجه‌ای که می‌توان از واقعه‌ای که شرح آن در خطوط بالا آمد، گرفت در زمینه چگونگی به ثمر رسیدن یا در مقابل سترون ماندن پروژه‌های اجتماعی در کشور ماست. همانقدر دیرپایی محدودیت‌هایی که معلوم شد کسی به درستی دلیلی برای وضع آنان نداشته است بعید و نگران کننده است که شیوه‌ای که در نهایت به رفع آنها منجر شد، روشن شد که کلید حل ماجرا نهایتاً در دخالت فاش و آشکار رئیس جمهور وقت و تصمیم صریح دو وزیر مبنی بر ابلاغ امر برابری بود. چنانچه کسانی که پیگیر این موضوع بودند به فکر رجوع به این مقامات نمی‌افتادند و یا اینکه با مسئولانی روبرو می‌شدند که همان طرز فکر حاکم بر اندیشه مسئولین کمیته‌های تخصصی بر آنان نیز مسلط بود، این لکه امروز نیز بر پیشانی جامعه ما باقی می‌ماند. و چه بسا شرق شناسانی که آنرا دال بر «عقب افتادگی» جامعه به حساب می‌آوردند.

با وجود کمبودها و کاستی‌ها، جامعه ما جامعه‌ای است صنعتی و متشکل از شهروندان آزاد که پس از پانزده سال تجربه مستمر سیاسی و حضور در صحنه‌های اجتماعی کمابیش به منافع خود آگاه می‌باشند. حل معضلات یک چنین جامعه‌ای نیاز به نهادهایی در خور خویش دارد. هم آن نهادهایی که اخبار و نیازهای جامعه را به گوش عموم برسانند و هم آن نهادهایی که به پشتیبانی از نیازهای عمومی و در جهت رفع محرومیت‌ها در جامعه فعالیت‌ها را تلاش کنند. افسوس اگر جامعه‌ای نتواند با تأسیس نهادهایی که با نیازهای سیاسی و اجتماعی‌اش خوانا باشد خود پاسخی برای نیازهایش بیابد. جامعه ما به سازمان‌ها، احزاب، انجمن‌ها و تشکیلاتی نیاز دارد که از طریق پیوند خواسته‌های واقعی گروه‌های اجتماعی و نیازهای روزمره جامعه به تدوین برنامه‌های مشخص سیاسی، اجتماعی اقدام کرده و از این راه در جهت اعتلای فرهنگی و بهزیستی عموم مردم تلاش کنند.

کتابخانه

یادداشت‌ها

۱. ۵۵ و ترسمه، دفتر امور زنان.
۲. همان، ص ۳.
۳. همانجا.
۴. مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۶۷، اداره کل قوانین و مقررات کشور، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۳.
۵. همان، ص ۱۵.
۶. همان، ص ۸ از متن مصوبات، «اهداف و وظائف شورای عالی انقلاب فرهنگی» مصوب ۶۳/۱۲/۵.
۷. همان، ص ۹.
۸. آیین نامه داخلی شورای عالی برنامه ریزی مصوب ۶۴/۵/۱۵، همان، ص ۳۳-۳۴.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۹. کلیات تشکیل شورای عالی برنامه ریزی و گروههای تبلیغ، مصوب ۶۳/۱۱/۲۸ و ۶۳/۱/۶، همان ص ۱۱ و ۱۲.
۱۰. سهمیه زنان در بسیاری از رشته های دانشگاهی افزایش یافته است، گفتگو با خانم زهرا رهنورد، مسئول کمیته آموزش عالی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، زن روز. شماره ۱۲۲۱ تاریخ ۶۸/۳/۳.
۱۱. مسئله تحصیلات کشاورزی زنان، دانشگاه انقلاب، شماره ۱۷، آبان ۱۳۶۱، صفحات ۱۲-۱۵.
۱۲. جوابیه، دانشگاه انقلاب، شماره ۱۷، آبان ۱۳۶۱، صفحات ۱۵ و ۴۶ و ۲۷.
۱۳. تحصیلات عالی کشاورزی-خواران یا برادران، دانشگاه انقلاب، شماره ۲۱، اسفند ۱۳۶۱ ص ۱۰.
۱۴. تشریح بر جوابیه، دانشگاه انقلاب، شماره ۲۱، اسفند ۱۳۶۱، صفحات ۱۱-۱۰ و ۵۴.
۱۵. در مورد محدودیت گزینش دانشجوی زن در رشته های هنر: اعتراض شدید خواران شرکت کننده در کنکوره، زن روز، ۶ تیر ۱۳۶۶، ص ۴.
۱۶. همان ص ۵.
۱۷. همان.
۱۸. همان.
۱۹. اطلاعیه خواران انجمن اسلامی دانشکده هنرهای زیبا، زن روز، ۱۳ تیر ۶۶.
۲۰. در مورد محدودیت گزینش دانشجوی زن در رشته های هنر: اعتراض شدید خواران شرکت کننده در کنکوره، زن روز، ۶ تیر ۶۶، ص ۴.
۲۱. آزمون سراسری، رقابت فشرده و امکانات نابرابر، زن روز، شماره ۹۷۸، ۹۳ مرداد ۶۳، ص ۳.
۲۲. مصاحبه اختصاصی نگارنده با خانم زهرا رهنورد، ۷۳/۲/۹۱.
۲۳. سهمیه زنان...، زن روز، ص ۸.
۲۴. در مورد محدودیت...، زن روز، ص ۴.
۲۵. تشکیل شورای سیاست گذاری و هماهنگی در مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان، مصوب ۶۶/۳/۱۹.
- مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۱۵۳ آیین نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان مصوب ۶۶/۶/۶۶.
۲۶. همان، ص ۱۶۶.
۲۷. سهمیه زنان...، زن روز، ۶۸/۳/۳، شماره ۱۲۲۱، ص ۵.
۲۸. مصاحبه اختصاصی با خانم زهرا رهنورد، ۷۳/۲/۹۱.
۲۹. سهمیه زنان...، زن روز، ص ۸.
۳۰. همانجا.
۳۱. مصاحبه اختصاصی با خانم زهرا رهنورد.

۳۲. همان.

۳۳. رفیع محمودیت پذیرش داوطلبان دختر در بعضی از رشته های دانشگاهی، مصوب یکصد و هشتاد و هفتمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ابلاغ شماره: ۹۷۸ / وش تاریخ ۶۸/۳/۸.

۳۴. همان.

۳۵. همان.

۳۶. گلنار مهران-دانش آموزان دختر...، زن روز، شماره: ۱۳۳۸-۱۳۳۷، ۱۳ آذر ۷۲ صفحات ۵۶-۵۹.

۳۷. سیروس علی نژاد، نقش و موقعیت زنان در آینده، سرمقاله آئینه، شماره: ۱۵، اول مرداد ۱۳۶۶، صفحات

۷-۶.

۳۸. مصاحبه اختصاصی با خانم زهرا رهنورد.

کتابخانه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی